

بررسی ابعاد هویتی سه گانه (محلی، ملی و جهانی) در بین جوانان و نقش آن در توسعه فرهنگی استان آذربایجان شرقی

مهرداد نوابخش^۱، احمدعلی مقتدرزاده ملکی^۲

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی ابعاد هویتی سه گانه (محلی، ملی و جهانی) در بین جوانان و نقش آن در توسعه فرهنگی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۱ می باشد. روش تحقیق پیمایشی و شیوه تحقیق همبستگی می باشد. جامعه آماری کلیه جوانان ۱۸ الی ۲۵ ساله ساکن استان می باشد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۴۳۰ نفر به شیوه نمونه گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق ساخته است که اعتبار آن از طریق اعتبار صوری با استفاده از نظرات اساتید و متخصصین حوزه هویت و پایایی آن با آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد و نتایج قابل قبولی بدست آمد. تحقیق نشان می‌دهد که هویت محلی و ملی هر کدام در شش شاخص و هویت جهانی در پنج شاخص دسته بندی گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از بسته آماری SPSS نسخه ۱۹ تحلیل گردید و آزمون‌های تحلیل واریانس یکطرفه، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T و آزمون فریدمن استفاده گردید. نتایج نشان داد که هویت غالب در نزد جوانان هویت قومی بوده و هویت‌های ملی و جهانی بترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند. بین هویت قومی با هویت‌های ملی و جهانی همبستگی مستقیم، ولی بین هویت ملی و جهانی همبستگی معکوس وجود داشت.

کلید واژه‌ها: توسعه فرهنگی، هویت؛ هویت جمعی؛ هویت محلی؛ هویت ملی؛ هویت جهانی.

^۱ استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکترای مدیریت امور فرهنگی (تصمیم گیری و خط مشی گذاری) ahmadalimoghtaderzadhe@yahoo.com

مقدمه

امروزه یکی از بحث‌انگیزترین مباحث بویژه در جوامع در حال توسعه، موضوع فرهنگ و توسعه است. توسعه به عنوان فرایندی چندبعدی، تلاشی برای بهبود زندگی مادی و معنوی انسانی و فرهنگ، به منزله بنیان زندگی فکری و معرفتی جامعه محسوب می‌شود. ارتباط متقابل این دو امکان رشد توانایی‌های انسان را فراهم می‌آورد (پورشافعی، ۱۳۸۱: ۷۱). امروزه یکی از دغدغه‌های دولت‌ها، رسیدن به توسعه همه‌جانبه است. از آنجا که انسان موجودی فرهنگی است، توسعه فرهنگی زیربنای توسعه پایدار شمرده می‌شود. اهمیت توسعه فرهنگی در سطح جهانی مورد توجه و تاکید قرار گرفته و شکل‌گیری سازمان‌هایی همچون یونسکو در این زمینه نشان از دغدغه جهانی بشر امروزی در این زمینه است. از سوی دیگر، اقدام به توسعه فرهنگی از طریق سیاست‌های فرهنگی در جوامع دنبال می‌شود. ارائه و اجرای سیاست فرهنگی بدون شناخت دقیق فرآیندها و شرایط جامعه امکان‌پذیر نمی‌باشد، زیرا فرهنگ بعنوان نظامی پویا و در حال تغییر، نیازمند شناخت مدام و منسجم می‌باشد. یکی از موضوعاتی که در نظریه‌های توسعه مطرح شده، تغییراتی است که در این فرآیند در ساختار اجتماعی ایجاد می‌شود و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. از عمده‌ترین این چالش‌ها هویت است. امروزه مسأله هویت جمعی و فرهنگی از جنبه‌های گوناگون و از سوی متفکران و نظریه پردازان بسیاری مطرح است و شرایط فعلی جهان و ارتباط و رویارویی فرهنگ نیز بر اهمیت موضوع افزوده است. مسائلی از قبیل بحران هویت، بی‌هویتی یا بیگانگی اجتماعی، هویت قومی، هویت سیاسی، هویت دینی و همگی حول محور هویت قرار گرفته است. آن چه مشخص است این است که هر انسانی از خویش تصویر و تعبیری در ذهن دارد و جهان را طوری می‌بیند. به موضوع آدمی در قبال این موضوعات (انسان، جهان، ارزش‌ها) که اولاً از وحدت و انسجام برخوردار باشد، ثانیاً نزد آدمی معتبر و مطابق واقع جلوه کند، ثالثاً شفاف و واضح باشد، رابعاً اثرات خویش را در همه وجوه و شئون فردی و اجتماعی آدمی نشان دهد می‌توان هویت نام نهاد (کاجی، ۱۳۷۸: ۲۷).

هویت در ارتباط با دیگر افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد و بدون توجه به زندگی اجتماعی و روابط ما بین انسان‌ها هویت معنایی نخواهد داشت، به عبارت دیگر هویت محصول ارتباط و تعامل است یعنی دیگری «خود» باید وجود داشته باشد تا من ساخته و درک شود از طریق فهم و ارتباط با دیگری و در فرآیند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. هویت‌ها معانی کلیدی هستند و مهم‌تر اینکه به خودشان نیز می‌گویند که چه کسی هستند (گل‌محمدی، ۱۳۸۰). بر اثر تغییرات ساختاری و فرهنگی متمایزی که در دهه‌های آخر قرن بیستم رخ داده و جهان را دگرگون کرده است، هویت‌های منسجم و نسبتاً پایدار سنتی در حال نابودی است و در عوض تعدد و تکثر منابع هویت یابی و تعلقات گروهی، سوژه مدرن را دچار انشقاق و چند پارگی کرده است. بنابراین، بحران هویت یکی از نتایج تغییرات سریع و وسیعی است که در ساختارها و به ویژه در چشم‌اندازهای فرهنگی طبقه، جنسیت، روابط جنسی، قومیت، نژاد و ملیت پدید آمده است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۳). با دگرگونی شرایط زمانی و مکانی و وقوع برخی رویدادهای مهم تاریخی، سیاسی و اجتماعی، نگرش مردم درباره آن تغییر یافته و در نتیجه هویت جامعه‌ای تضعیف یا تقویت شده است (ساساکی، ۲۰۰۴).

لاور معتقد است هویت باید به عنوان سازه هایی که در روابط بین شخصی ساخته می شود درک شود نه به عنوان احساس تعلق کردن در چارچوب فردیت شخصی. هویت سازه ای اجتماعی است؛ به طور اجتماعی تثبیت می شود و از زندگی اجتماعی روزمره مردم بیرون می آید (لاور، ۲۰۰۸).

ایران جامعه ای در حال گذر یا در حال توسعه می باشد. در چنین جامعه ای با فروپاشی نظام ها و ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات روستایی و گسترش شهرنشینی، تحرکات جمعیتی و اجتماعی و تشدید تعاملات بین فرهنگ ها، اقوام و ملل مختلف، جوانان در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارضی قرار گرفته اند. بسیاری از این جوانان با کنده شدن از بنیادهای سنتی و در شرایط ضعف یا نبود ساختارهای نوین مدنی و یا عدم تشخیص الگوهای مناسب، دچار تعارض، سردرگمی و بلا تکلیفی می شوند و خود را بین سنت و مدرنیته سرگردان می بینند. در چنین شرایطی است که نابسامانی اجتماعی زمینه لازم را برای پیدایش بحران هویت، سرخوردگی های روانی، فردگرایی های خودخواهانه، جمع گرایی خاص گرایانه، بی مسئولیتی، فساد اخلاقی، هنجارشکنی و اختلال در نظم و کنترل اجتماعی، تخریب منابع و پایمال شدن منافع ملی، خشونت و احساس عدم امنیت، نارضایتی و برون گرایی پدید می آورد (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۶۵).

در این مقاله سعی بر این است که رابطه بین ابعاد هویتی در بین جوانان چگونه است. بنابراین سوالاتی که در این مورد مطرح می شود به قرار زیر است:

۱- میزان گرایش به هویت قومی، ملی و جهانی در بین جوانان استان آذربایجان شرقی چگونه است؟

۲- آیا بین ابعاد هویتی سه گانه (قومی، ملی و جهانی) رابطه ای وجود دارد؟

دیدگاه های نظری

۱- هویت

هویت در لغت ترکیبی است از «هو» که ضمیری عربی است و به معنای او و «یت» که علامتی مصدری است و مرجعی برای ضمیر او. پس از این رو، هویت را می توان به او بودن یا شناخته شدن کسی به چیزی معنا کرد، شناختی که او را از دیگری، در عین اشتراک در کلیات، در جزئیات و دقایق متمایز می سازد (رهباب، ۱۳۸۱: ۵۴).

هویت دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می گیرد. به این ترتیب به مفهوم شباهت از دو زاویه مختلف راه می یابد، و مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد یا اشیا دو نسبت محتمل برقرار می سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر، تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵).

هویت در علوم اجتماعی بیشتر از دیدگاه های جامعه شناسی خرد و روانشناسی اجتماعی و به ویژه دیدگاه کنش متقابل نمادین و آرای اندیشمندانی نظیر کولی، مید و روزنبرگ سرچشمه می گیرد. و در دیدگاه اندیشمندانی مثل تاجفل، جان ترنر، پیتربورک، مک کال و دیگران توسعه می یابد. مید و کولی هرچند مستقیماً از هویت و هویت اجتماعی بحث نمی کنند ولی دیدگاه هایشان راجع به «خود»، «خودآینه سان» و «دیگری تعمیم یافته» مقدمات بحث در مورد هویت را فراهم می کند. هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات و مشخصات و تفکراتی اشاره می کند که فرد آنها را از طریق اشتراکات اجتماعی و عضویت در گروه ها و مقوله های اجتماعی کسب مباد کند. این گروه ها و مقوله ها شامل نژاد، مذهب، قومیت، ملیت، جنسیت و ... می شود. زمانی که یک فرد عضو یک گروه و مقوله ای می شود و یا از قرار گرفتن

در یک مقوله ای آگاهی پیدا می کند یک سری خصوصیات و ویژگی هایی را از آن به دست می آورد که در بین گروه یا مقوله مورد نظر مشترک است. با گرفتن این خصوصیات فرد به آن گروه احساس تعلق می کند. هویت اجتماعی یک فرد باعث ایجاد «ما» در برابر «آنها» می شود.

۲- نظریه هویت اجتماعی

یکی از دیدگاه های معروف که درباره هویت بحث های جامعه شناختی ارائه داده است «نظریه هویت اجتماعی» است که توسط ترنر، هسلا، و رکیوتین و دیگران توسعه داده شده است.

«نظریه هویت اجتماعی در واقع دو نظریه مرتبط با هم ول متفاوت را شامل می شود: نظریه هویت اجتماعی و نظریه خود مقوله بندی. بحث نظریه هویت اجتماعی، ارتباطات بین گروهی و مخصوصاً سوگیری درون گروه و کشمکش اجتماعی است. در صورتی که نظریه خود مقوله بندی بر گروه روانشناختی و فرایندهای مرتبط با پیوستگی و تعاون و تاثیر پذیری اجتماعی بنیاد گرفته است» (ترنر و هسلا، ۲۰۰۱: ۲۰).

فرضیه اصلی نظریه مقوله بندی این است که هویت اجتماعی اغلب قادر است مانع جهت گیری خود به طرف هویت شخصی شود. ترنر با متمایز کردن هویت اجتماعی (تعریف خود از طریق عضویت در مقوله اجتماعی) و هویت شخصی (تشریح خود از طریق طرز تلقی ها و ایده های شخصی) نوعی نظریه هویت اجتماعی رفتار گروهی را مطرح کرده است. مردم خودشان را با عضویت در مقوله اجتماعی مشترک تعریف می کنند. در اینجا، نوعی تأکید ادراکی بر شباهت های درون گروهی و تفاوت های برون گروهی، در ابعاد مختلف، وجود دارد. مردم خودشان و دیگران را مقوله بندی اجتماعی برجسته کلیشه ای می کنند، که این کار به هویت ادراکی افزوده، بین خود و اعضای درون گروه و یک تمایز ادراکی افزوده بین اعضای درون گروه و بیرون گروه منجر می شود (ترنر و هسلا، ۲۰۰۱: ۳۲). زمانی که هویت اجتماعی نسبت به هویت شخصی مهم می شود، مردم خودشان را کمتر از طریق تفاوت های فردی و بیشتر از طریق مشابهت های درون گروهی می بینند و این نیز همان «شخصی سازی خود»^۱ است.

تاجفل و دیگران استنباط می کنند که مقوله بندی به تنهایی، به تحقق موقعیت های معینی برای استنباط با سوگیری بین گروهی کافی است (همان). مقوله بندی اجتماعی ممکن است به طرف داری گروهی بیانجامد و متغیرهایی در تعیین سوگیری اهمیت خاصی دارد که مقوله بندی اجتماعی را مهم می کند (همان، ص ۲۷). این بدان مفهوم است که وقتی فرد به نوعی مقوله بندی دست پیدا کرد و پیش خود، درون گروه را از بیرون گروه تشخیص داد، ارزیابی مثبتی از درون گروه خواهد داشت و نوعی سوگیری، مثلاً در تقسیم منابع، نسبت به گروه خود خواهد داشت. این نظریه بر این واقعیت تأکید می کند که مقوله بندی فرآیندی پویا و وابسته به متن است که در روابطی مقایسه ای با متنی معین تعیین می شود... در مقوله بندی همیشه تفاوت بین گروهی بیشتر از تفاوت درون گروهی است (همان: ۳۴).

۳- نظریه ساختاری هویت

تئوری هویت بیشتر ریشه در کارهای نظریه پردازان کنش متقابل نمادی دارد. براساس این تئوری فرد یک تجمع سازمان یافته ای از هویت ها است که هر یک از آنها برای شکل دادن به رفتارها در تعامل اجتماعی خدمت می کنند. در این تئوری هویت به عنوان مجموعه معانی مشترک اجتماعی تلقی می شود که اشخاص به خودشان در یک نقش اجتماعی نسبت می دهند. بورک و ریتزس^۲ شکل های متمایز هویت ها را این گونه مقوله بندی کرده اند:

اولاً، هویت‌ها به عنوان تولیدات اجتماعی که به واسطه فرآیندهای نام دهی و یا مکان دهی خود در مقوله‌های اجتماعی شکل گرفته، ابقا شده و مورد تأیید قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر وقتی که ما خود را در مقوله اجتماعی قرار می‌دهیم سبب ۱- شکل گیری هویت ما، ۲- تعامل با دیگری بر حسب این مقوله‌ها، ۳- درگیر شدن در ارائه خود برای این که مضمونات و تلویحات رفتاری و معانی مقوله‌ها را مورد تأیید و مبادله قرار دهیم، می‌شود. ثانیاً هویت‌ها به عنوان خود-معنایی در موقعیت‌ها و براساس درک شباهت‌ها و تفاوت‌های یک نقش در رابطه با نقش مقابلش به دست آمده و پایه گذاری می‌شوند. ثالثاً، هویت به عنوان نماد مطرح می‌شود. یعنی اینکه هویت‌ها نمادین هستند، به طوری که در یک شخص همان پاسخ‌هایی را ایجاد می‌کند که در دیگری ایجاد کرده است. رابعاً، هویت‌ها بازتابی هستند یعنی افراد می‌توانند هم مضمون‌ها و تلویحات رفتاری خودشان و هم دیگران را با قرار دادن هویت‌ها به عنوان نقاط مرجع، مورد ارزیابی قرار دهند. این ارزیابی‌ها قسمتی از فرآیند ارزیابی بازتاب شده هستند. همچنین از نظر بورک و ریتزس هویت‌ها یک منبع انگیزش برای کنش هستند بخصوص کنش‌هایی که منجر به تأیید اجتماعی هویت می‌شوند. بدین ترتیب خود، عاملی فعال در تعامل می‌شود (ارشدخرگردی، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۲).

۴- هویت ملی و مولفه های آن

هویت ملی به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، زاده عصر مدرن اروپا است که از قرن ۱۷ آغاز می‌شود. این مفهوم اواخر قرن نوزدهم و مخصوصاً بعد از دو جنگ جهانی به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته راه پیدا کرده است. هویت ملی با شکل گیری ملت به معنای امروزی آن، پدید آمد. هویت ملی به منزله مفهوم علمی از ساخته های تازه علوم اجتماعی است که از نیمه دوم قرن بیستم به جای مفهوم «منش ملی و خلق ملی» که از مفاهیم عصر تفکر رمانتیک بوده در حال رواج یافتن است (مرشدیزاد، ۱۳۸۰: ۸۹).

استاد مطهری معتقد است «اگر هویت ملی را نوعی احساس ملی یا ناسیونالیسم بنامیم، تعریف ارایه شده از آن عبارت است از وجود احساس مشترک یا وجدان و شعور جمعی در میان عده ای از انسانها که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند (رزازی فر، ۱۳۷۹: ۱۱۹).

واژه ملت در زبان فارسی دارای معنای مختلفی است. گاهی به معنای دین و گاهی به معنای پیروی کنندگان دین به کار می‌رود و مترادف با واژه امت است، گاهی نیز به معنی گروه و قوم به کار می‌رود. این واژه در زبان فارسی معادل انگلیسی Nation است. Nation از واژه لاتینی Natio مشتق شده است. این واژه دلالت بر مردمانی دارد که از راه ولادت با همدیگر نسبت دارند و از یک قوم قبیله اند. ولی این تعریف در جریان شکل گیری دولت - ملت های مدرن تغییر یافته است، زیرا حوادث تاریخی مردمانی را که از اقوام گوناگون بوده اند گرد هم آورده و از آن یک ملت به وجود آورده است (اشرف، ۱۳۷۲: ۸). بنابراین دیگر نمی‌توان ملت را بر مبنای نژاد و تبار شناسایی کرد، چون مللی چند نژادی و چندتباری به وجود آمده است.

اندیشمندان و متفکران منشاءهای مختلفی را برای ملت و تشکیل ملت قائل هستند. برخی از آنها بر یک یا چند بعد خاص از ملت و برخی دیگر به ابعاد دیگری از ملت تأکید می‌کنند. به دلایل فوق تعاریف گوناگونی از ملت وجود دارد.

شلایر ماخر با این عقیده که ملت پدیده ای طبیعی است، از ملت به عنوان نوعی تقسیم بندی طبیعی از نژاد انسان، که خداوند اخلاقیات خود را به آن اعطا نموده، یاد می‌کند. او اعلام می‌دارد که سرنوشت هر ملتی این گونه رقم خورده

است که از طریق سازماندهی و مکان اختصاصی خود در جهان وجهی از تصویر الهی را به نمایش گذارد (گیرنا، ۱۳۷۸: ۸۳).

در مورد مولفه های هویت ملی، اندیشمندان حوزه های مختلف علوم انسانی، دیدگاه های متفاوتی دارند. در حالی که در جغرافیا «سرزمین مشترک» و تاریخ مشترک مولفه های اساسی هویت ملی تلقی می شوند، در علوم سیاسی تکیه را بر ساختار سیاسی مشترک، ملیت و یا جامعه مدنی بومی می گذارند. در علوم اجتماعی زبان مشترک، دین مشترک و آداب و سنن مشترک را عناصر اصلی هویت ملی محسوب می کنند. در فلسفه بیشتر به وحدت فرهنگی و تاریخ مشترک تأکید می شود و در روانشناسی اجتماعی نیز به هویت «ما» و احساسات مشترک و آگاهی جمعی توجه می شود. افروغ هویت ملی را به تبع سطوح چهارگانه هویت متشکل از چهار سطح می داند: سطح جهان بینی و ایدئولوژی، سطح ارزش ها، سطح هنجارها و سطح نمادها. ایشان سطح جهان بینی و ایدئولوژیک را مهم ترین بعد هویت ملی می داند چرا که تنها این سطح است که می تواند با توسل به احساس و عاطفه، انسجام اجتماعی ایجاد کند و میان اعضا پیوندی برقرار کند و اعضای جامعه را نسبت به جامعه متعهد کند. ایشان از دیدگاه فرهنگی به هویت ملی نگاه می کند و عامل اصلی هویت سازی ملی را عامل فرهنگی می داند. وی از دیدگاه هایی که مولفه اساسی هویت ملی را نژاد و خون و تبار می داند به شدت انتقاد می کند (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۷).

رواسانی با رد بنیادهای نژادی و خونی هویت ملی و هم چنین قبول نکردن تکیه بر تنها بد فرهنگی، ادعا می کند که مسأله هویت دارای بعد اقتصادی هم هست و نمی توان آن را صرفاً یک مسأله با مقوله یا پذیره فرهنگی و یا سیاسی دانست. او هویت ملی را ترکیبی از عناصر دینی، تاریخی و طبقاتی می داند. از آنجا که تلقی و تفسیر طبقات مختلف اجتماعی از جنبه های اقتصادی، تاریخی و دینی متفاوت و متأثر از خواست ها و منافع طبقاتی آنان است، ترکیب اجتماعی هویت ملی در طبقات مختلف متفاوت است (رواسانی، ۱۳۸۰: ۷).

صدر هویت ملی را از دو جنبه بررسی می کند: جنبه سلبی: یعنی مقوله هایی که هویت ملی به آنها وابسته نیست و با تغییر و یا حذف آنها هویت ملی پابرجا می ماند. از این نظر امروزه هویت ملی ماوراء مقوله های زیر است: نژاد، تبار، جنسیت، قومیت، دین، زبان، طبقات. چراکه با حذف این موارد، هویت ملی متزلزل نمی شود و از بین نمی رود. جنبه ایجابی: که با تغییر یا حذف آن مقوله ها، هویت ملی یا از بین می رود یا خدشه دار می شود و یا تغییر ماهیت می دهد. به عبارت دیگر این عوامل اساس هویت ملی را تشکیل می دهند و به قرار زیرند: سرزمین مشترک، منافع اقتصادی و تولیدی و پول مشترک، منافع سیاسی و امنیتی مشترک، دولت مشترک، حقوق و نهادهای مشترک، احساس روان شناختی مشترک در تعلق به آن منافع مشترک و در دفاع از آنها (صدر، ۱۳۷۷: ۷۰).

۵- هویت قومی

قومیت واژه ای است که به طور فزاینده از دهه ۱۹۶۰ تاکنون برای تفاوت های انسانی در حیطه فرهنگ، سنت، زبان، الگوهای اجتماعی و تبار به کار برده می شود. کاربرد این واژه با بی اعتباری نظریه نژادی که انسان را درون نوع های زیستی با تعیین ژنتیکی ثابت مفروض می داشت، بیشتر شد.

واژه قوم (Ethnic) از واژه یونانی Ethnos به معنی ملت آمده است. در انگلیسی اولیه، کاربرد واژه Ethnic به تفاوت های فرهنگی ملت های مشترک برمی گردد. برخی از معاصران قومیت را برای شناسایی گروه های ملی در اروپا به کار می برند. ولی اعتراض های قومی مثل اعتراض «باسک ها» خط بین گروه قومی و ملیت را آشکار می کند. اشکرف و

همکارانش قومیت و گروه قومی را چنین تعریف می کنند: «تجمعی در درون یک جامعه بزرگ با داشتن تبار مشترک واقعی یا مفروض (داشتن یک حافظه مشترک تاریخی، با سرچشمه ها یا تجارب تاریخی مانند استعمال، مهاجرت، تهاجم و یا بردگی) یک آگاهی مشترک از هویت قومی مجزا، و یک کانون و منبع فرهنگی در یک یا چند عنصر نمادین که به عنوان خلاصه ای از مردم بودن آنها تعریف شده است. این مشخصات فرهنگی همواره نسبت به زمان و مکان معین که گروه قومی تجربه می کنند، در یک ترکیب پویا خواهند بود» (Ashcreft & Griffiths & Tiffin, 1998: 84).

مشخصه اصلی این تعریف کارکرد عناصر نمادین است که ممکن است به یک معنی تعلق قومی را ایجاد کند. مثال هایی از برخی عناصر نمادین بدین قرارند: الگوهای خانواده، نزدیکی فیزیکی، پیوستگی مذهبی، اشکال زبانی یا گویشی، پیوستگی قبیله ای، ملیت، مشخصات فیزیکی، ارزش های فرهنگی و فعالیت های فرهنگی مثل هنر و ادبیات موسیقی. در زمان ها و مکان های مختلف ترکیب های مختلفی از این عناصر در تهیه یک معنی از قومیت می تواند نقش داشته باشد (Ibid: 84).

از منظر دیگر، اریکسون عقیده دارد که تفاوت فرهنگی بین دو گروه مشخصه قطعی هویت نیست. دو گروه می توانند از لحاظ فرهنگی یکسان باشند ولی دو گروه متفاوتی را تشکیل داده باشند و برعکس. مثلاً دو گروه درون همسر متفاوت در یک محل ممکن است به طور وسیعی از زبان و مذهب و اعتقادات و حتی فن آوری متفاوت باشند، اما این ضرورتاً بدین معنی نیست که یک ارتباط قومی بین آنها موجود باشد (Eriksen, 1993: 11).

برای به وجود آمدن گروه قومی، گروه باید حداقلی از برخورد با دیگر اقوام را داشته باشد و اعضای گروه باید ایده های گروه های دیگر را به عنوان تفاوت های فرهنگی از سنت خودشان، نگاه کنند. اگر این شرایط نباشد قومیت وجود ندارد. برای قومیت نمودی از ارتباط و نه یک صفت خاص، اساسی است. بنابراین قومیت یک ارتباط اجتماعی ویژه بین عاملانی است که خودشان را به لحاظ فرهنگی از اعضای گروه های دیگر که با آنها حداقلی از کنش متقابل منظم را دارند، متفاوت می بینند. همچنین قومیت می تواند به عنوان هویت اجتماعی (ناشی از یک تمایز و تفاوت با دیگران) به وسیله خویشاوندانی افسانه ای یا استعاری تعریف شده باشد. گروه های قومی تمایل دارند که اسطوره هایی از سرچشمه مشترک داشته باشند (Ibid: 12).

هویت قومی از ترکیب متنوع مولفه های قومیت به وجود می آید و حتی در بسیاری از موارد تنها یک مولفه متفاوت باعث ایجاد نوعی هویت قومی می شود. بنابراین در بین اقوام مختلف مولفه های قومیت متفاوت بوده در هر گروه قومی، هر یک از مولفه ها دارای درجات اهمیت متفاوتی هستند.

آنچه جوانان تبریز را از سایر ایرانیان متمایز می کند نه در لایه های زیرین هویت یعنی طرز تفکر و جهان بینی بلکه لایه های روین آن یعنی نمادهای کلامی و غیر کلمی مانند زبان و موسیقی نهفته است.

بر این اساس در این تحقیق برای اندازه گیری گرایش به هویت قومی جوانان تبریز از چند مولفه که هر کدام از آنها از گویه هایی چند تشکیل شده اند، سود جسته ایم. این مولفه ها شامل گرایش به زبان و ادبیات قومی (زبان ترکی)، گرایش به نمادهای غیر کلامی (موسیقی سنتی ترکی)، گرایش به تاریخ قومی و وابستگی قومی است.

۶- هویت جهانی

زیربنای نظریه گیدنز، تجدد تغییرات ریشه ای در کیفیت زندگی روزمره به وجود می آورد و بر وجوه مختلف تجربیات ما اثر می گذارد؛ به گونه ای که تغییرات حاصل از نهادهای امروزی به طور مستقیم با زندگی فردی و خود ما درهم می

آمیزند. تجدد موجب تکه برداری (خروج از قیود محلی و ترکیب مکرر عناصر جدید) و ساماندهی بازتابی خصوصی ترین گوشه های خود می گردد. با توسعه ارتباطات جهانی - جمعی تداخل هویت شخصی و نظام اجتماعی تا حد موازین و معیارهای جهانی و عام بیش از پیش محسوس شده است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۵).

گیدنز بر آن است که پویایی و تحرک فوق العاده زندگی اجتماعی امروزی دارای سه عنصر اصلی است:

۱- جدایی زمان و فضا: سازماندهی فعالیت هایی که از نظر جسمانی در حضور یکدیگر نیستند.
 ۲- تکه برداری و بیرون کشیدن روابط اجتماعی از بافت محلی و جا انداختن مجدد آنها در تکه های نامعین از زمان و فضا که به وسیله نشانه های نمادین و نظام های کارشناسی مشخص می شود.

۳- بازتابندگی نهادین به معنی کاربرد منظم اطلاعات و دانش های مربوط به زندگی اجتماعی و تغییر مستمر شرایط شک بنیادین و شکل گیری زندگی دلبخواهی (همان: ۴۱). نشانه های تجدد در سبک زندگی و تکثیر دنیاها و محیطها و محل های رفتار و تنوع عادات و جهت گیری ها قابل مشاهده است (همان: ۱۲۲) و موجب کاوش های شخصی مکرر، فرصت ها و شانس های مختلف و توسعه شبکه روابط اجتماعی می شوند (همان: ۱۲۶). در اثر تجدد و جهانی شدن، عنصر محل فقط منوط و منحصر به زیستن در یک محیط طبیعی یا قرار گرفتن در رویدادهای به وجود آمده در خود محل نیست، بلکه محل و فعالیت های محلی یا موضعی فرد و در کل وابستگی های محلی فرد فراتر از محیط زندگی او تعریف می شود و فرد درباره محل زندگی هم می تواند انتخاب کند و فراتر از آن محل (مرجع تعلق خود را) بسیار توسعه دهد (همان: ۲۱۰). همچنین گیدنز تأکید دارد که توسعه و عصر جدید و عقلانیت حاصل از آن موجب رهایی آدمی و آزادسازی او از امر و نهی های جزم آلود سنت های کهن و قید و بندهای اعصار، گسیختن غل و زنجیرهای برجامانده از گذشته و در هم شکستن سلطه نامشروع بعضی از افراد و گروه ها بر دیگران می شوند و محصول آن سیاست زندگی یا سیاست انتخاب، که همان انتخاب شیوه زندگی توسط فرد است، می گردد (همان: ۲۹۹).

برای دقت بیشتر درباره مفهوم هویت جهانی، باید تأکید کرد که مقوله هویت از زمره پدیده هایی است که در پرتو جهانی شدن در یک شبکه ارتباطی قرار می گیرد. در واقع، هویت تحت تأثیر ارتباطات جهانی می شوند، از پدیده های دور دست اثر می پذیرد، بر آن اثر می گذارد و در اثر این فعل و انفعالات، تصور ما را از خویشتن دچار دگرگونی می نماید و ما به شناخت های دیگری از وجود خویشتن نایل می شویم (قریشی، ۱۳۸۱: ۴۷).

جهانی شدن منابع و روش هایی را برای پیشبرد و تسریع فرآیند رهایی بشر جستجو می کند و با تحلیل رفتن نهادهای سنتی امنیت و هویت بخش به ویژه دولت، نیاز به چنین ابزارها و تدابیری را توصیه می نماید. جهانی شدن همچنین امکاناتی را جهت احیاء هویت های سرکوب شده، آزادی مذهبی بر گزینش مختارانه، مخدوش ساختن روابط و ساختارهای سلطه آمیز اقتصادی - سیاسی، رهایی از قیود محلی و سنتی و مهاجرت و... فراهم می آورد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۱). می توان گفت فشرده گی جهان، وابسته تر شدن بخش های مختلف دنیا، افزایش وابستگی و درهم تنیدگی جهانی، فرایند غربی کردن و همگون سازی جهان، ادغام همه جنبه های اقتصادی در گستره جهانی، پهناورتر شدن گستره، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنش های اجتماعی، کاهش هزینه های تحمیل شده توسط فضا و زمان که از مهم ترین ابعاد جهانی شدن به شمار می آیند، همگی موجب پیوند و ادغام فرد و جامعه در گستره جهانی می شوند. البته این گسترش و تعمیق آن به

هیچ روی همگون و برابری نیست و در همه نقاط جهان به یکسان توزیع نشده است. در واقع باید از واژه کم و بیش در فرایند جهانی شدن هویت گفتگو کرد (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۴۴-۱۴).

پیشینه تحقیق

نادین بالبی (۲۰۰۱) در مطالعه‌ی هویت ملی و خارجی جهت بررسی هویت ملی افراد آمریکایی با استفاده از روش کیفی، نمونه‌ای از افراد آمریکایی را که البته در خارج از آمریکا تحصیل کرده بودند انتخاب نموده است. نتایج تحقیق وی نشان داده است که حضور در کشور دیگر باعث شده جنبه‌هایی از هویت ملی افراد دوباره ساخته شود و هرچند برخی آمریکایی‌ها هویت ملی خود را به عنوان یک دارایی در آغوش می‌گیرند، برخی دیگر ارتباط میان هویت ملی و سرزمین را رد کرده‌اند.

اکبری و عزیزی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه با استفاده از روش پیمایشی انجام داد، که نتایج تحقیق وی نشان داد، میزان هویت ملی در میان ۷۸٪ از دانش‌آموزان متوسط و بالاست، همچنین ۲۲٪ از آنها دارای هویت ملی ضعیف بوده و در بحران هویت به سر می‌برند. بررسی عوامل مؤثر بر هویت ملی نشان داد که مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر آن بترتیب عبارت بودند از: احساس تعلق به جامعه، نوع رویکرد به غرب، مشروعیت نظام سیاسی و فردگرایی بوده است.

فکوهی در تحقیقی با عنوان شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه مورد لرستان) (۱۳۸۳) به این نتایج رسید: در شرایط کنونی جهان، دولت‌های ملی عمده‌ترین الگوهای رسمی سازمان‌یافتگی سیاسی در سطح کلان هستند که هر گونه رابطه حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان مردمان و فرهنگ‌های گوناگون به ناچار باید به واسطه آنها انجام بگیرد. با این وصف، تعریف فرهنگ در سطح ملی، یا ارائه هویت و تعلق ملی به مثابه تنها هویت یا حتی به مثابه مهم‌ترین هویتی که بتواند سایر هویت‌ها و تعلق‌های فرهنگی را کنار گذاشته و خود را تحمیل نماید، چندان با واقعیت تطبیق ندارد. هویت ملی، از یک سو، در درون با هویت‌های محلی و قومی روبه‌رو است و از سوی دیگر، در برون با هویت جهانی. هدف وی از پژوهش، تحلیل پویای برخورد این سطوح هویتی برای به دست آوردن تصویری نسبتاً روشن از موقعیت کنونی و از این طریق، رسیدن به خط مشی‌های اساسی برای گره‌گشایی از مشکلات ناشی از ناهماهنگی و ناسازگاری میان سطوح مزبور است. برای نیل به این هدف، مولفه‌های متعددی که عمدتاً در چارچوب مفهوم سبک زندگی قرار می‌گیرند، نظیر تغذیه، خانواده، علایق زیباشناختی، تعلق‌های سیاسی و غیره، محور اصلی مطالعه قرار گرفته‌اند. جامعه مورد مطالعه را دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان و دانشجویان بومی دو شهر بزرگ استان لرستان یعنی خرم‌آباد و بروجرد تشکیل می‌دهند، که به دلایل متعددی قابلیت تعمیم زیادی را در سطح ایران و جهان دارا می‌باشد. این جامعه براساس دو مورد مقطع تحصیلی مزبور و براساس تفکیک جنسی در دو سطح پنداشت‌ها و رفتارهای فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

برای انجام این پژوهش با توجه به ماهیت ساختاری این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شد. روش اسنادی برای مطالعه ادبیات موضوع، بررسی پیشینه تحقیق و مبانی نظری و مسائل مربوط به آمارها و اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است که با استفاده از کتاب‌ها، نشریات، مقالات داخلی و خارجی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه جوانان ساکن ۱۸ الی ۲۵ ساله استان آذربایجان شرقی که براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و

مسکن ۸۱۲۵۶۴ نفر می باشد، که به عنوان جامعه آماری تحقیق در نظر گرفته شده اند. تعداد نمونه براساس فرمول نمونه گیری کوکران با دقت برآورد $d=0/05$ ، حداکثر واریانس $pq=0/25$ و سطح اطمینان ۹۹ درصد حدود ۴۳۰ نفر تعیین گردید. از آنجا که جامعه آماری وسیع و گسترده بود و تراکم جمعیتی نیز در نقاط مختلف استان متفاوت بود، از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش از تکنیک پرسشنامه استفاده گردیده است، که اعتبار آن با استفاده از اعتبار محتوایی و سازه‌ای و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت.

تعاریف متغیرها

متغیر وابسته در این تحقیق میزان هویت جمعی بوده که شامل ابعاد هویت قومی، ملی و جهانی می باشد. منظور از هویت جمعی هویتی است که فرد در فرآیند اجتماعی شدن و ارتباط با گروه ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه کسب می کند و مشخص ترین آنها گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه قلمرویی است که فرد خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق، منتسب و مدیون به آن می داند (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۱).

هویت قومی: وارمز و ناندا گروه های قومی را دسته هایی از مردم می دانند که خودشان را از گروه های دیگر جامعه یا از جامعه ای بزرگ تر به عنوان یک کل متمایز می کنند. یک گروه قومی میان خودگروه های دیگر در جامعه به ترسیم مرزهای قومی می پردازند که چنین مرزبندی هایی هم سبب تقویت همبستگی درون گروه ها و هم عامل جدایی شان از گروه های دیگر می شوند. این مرزها باید مبتنی بر یک زبان، میراث نژادی، یا مذهب مشترک، مناسک، ارزش های مشترک یا یک وطن مشترک باشند. بنابراین هویت قومی تجربه ای ذهنی، فردی است که شخص را به یک گروه قومی خاص وابسته می کند (وارمز، ۱۹۹۸: ۲۰۵).

هویت ملی: احساس همبستگی با اجتماع بزرگ ملی، آگاهی از آن و احساس وفاداری به آن و همچنین فداکاری در راه آن است (اشرف، ۱۳۷۲: ۸).

هویت جهانی: احساس تعلق و تعهد به جهان به عنوان یک کل (تامپلسون، ۱۳۸۱: ۲۵۲).

نحوه سنجش سازه‌ها

هویت قومی (محلی) با ۲۴ گویه، هویت ملی با ۲۶ گویه و هویت جهانی با ۲۰ گویه مطابق تکنیک طیف لیکرت در مقیاس فاصله‌ای سنجدیده شد که دامنه طیف بین صفر تا ۱۰۰ می باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

در برگزیده روش های آمار توصیفی که شامل استفاده از میانگین، انحراف معیار، درصد، نمودار و جداول فراوانی است و نیز روش های آمار استنباطی که در آن برای تعیین میزان رابطه میان متغیرهای ملاک و پیش بین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

توزیع پراکندگی ابعاد هویت در جوانان مورد مطالعه

جدول ۱: توزیع پراکندگی ابعاد هویت در جوانان مورد مطالعه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
هویت قومی	۴۳۰	۷۳/۳۲	۱۲/۸۵	-۰/۷۳۰	۲۷/۸۸	۹۵/۱۹
هویت ملی	۴۳۰	۷۰/۹۵	۱۶/۳۵	-۰/۸۸۴	۱۱/۵۴	۱۰۰
هویت جهانی	۴۳۰	۶۸/۱۱	۱۰/۸۲	۰/۱۳۱	۴۳	۹۴
هویت جمعی	۴۳۰	۷۰/۷۹	۷/۹۴	-۰/۶۳۵	۴۰/۰۴	۹۳/۱۹

همبستگی بین ابعاد سه گانه هویت در بین جوانان مورد مطالعه

براساس اطلاعات جدول (۲) و مطابق با آزمون ضریب همبستگی پیرسون ملاحظه می شود که بین میزان هویت قومی با هویت های ملی و جهانی همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد، ولی بین هویت ملی با هویت جهانی همبستگی منفی وجود دارد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین ابعاد سه گانه هویت در بین جوانان مورد مطالعه

هویت جهانی	هویت ملی	هویت محلی	ضریب همبستگی پیرسون سطح معنی داری تعداد نمونه
		۱ ۰ ۴۳۰	هویت محلی
	۱ ۰ ۴۳۰	۰/۱۱۷ ۰/۰۱۵ ۴۳۰	هویت ملی
۱ ۰ ۴۳۰	-۰/۱۹۰ ۰/۰۰۰ ۴۳۰	۰/۱۳۰ ۰/۰۰۷ ۴۳۰	هویت جهانی

مقایسه میزان هویت جمعی (و ابعاد سه گانه) جوانان براساس جنسیت آنان

براساس اطلاعات جدول (۳) و مطابق با آزمون تفاوت میانگین انجام شده ملاحظه می شود که هویت جمعی براساس جنسیت پاسخگویان متفاوت نمی باشد. در ابعاد سه گانه آن نیز فقط بعد هویت محلی در بین جوانان زن و مرد متفاوت بود و مردان جوان هویت محلی (قومی) بالاتری نسبت به زنان جوان داشتند.

جدول ۳: مقایسه میزان هویت جمعی (و ابعاد سه گانه) جوانان براساس جنسیت آنان

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه معیار	F	p	t	df	p
هویت جمعی	مرد	۲۱۷	۷۱/۱۵	۷/۸۰	۰/۲۲۴	۰/۶۳۶	۰/۹۳۹	۴۲۸	۰/۳۴۸
	زن	۲۱۳	۷۰/۴۴	۸/۰۸	۰/۵۵۴				
هویت محلی	مرد	۲۱۷	۷۴/۸۴	۱۲/۳۵	۰/۲۰۱	۰/۶۵۴	۲/۵۰	۴۲۸	۰/۰۱۳
	زن	۲۱۳	۷۱/۷۶	۱۳/۲۰	۰/۹۰۴				
هویت ملی	مرد	۲۱۷	۷۱/۰۲	۱۷/۲۸	۱/۹۷	۰/۱۶۱	۰/۰۹۳	۴۲۸	۰/۹۲۶
	زن	۲۱۳	۷۰/۸۷	۱۵/۳۸	۱/۰۵				
هویت جهانی	مرد	۲۱۷	۶۷/۹۷	۱۱/۴۴	۴/۳۲	۰/۰۳۸	۰/۲۶۵	۴۲۴/۰۶	۰/۷۹۱
	زن	۲۱۳	۶۸/۲۵	۱۰/۱۹	۰/۶۹۸				

مقایسه میزان هویت جمعی (و ابعاد سه گانه) جوانان براساس قومیت آنان

براساس اطلاعات جدول (۴) و مطابق با آزمون تحلیل واریانس انجام شده ملاحظه می شود که هویت جمعی براساس قومیت پاسخگویان متفاوت می باشد و جوانان آذری هویت جمعی بالایی دارند. در ابعاد سه گانه آن نیز هویت ملی و محلی معنی دار بود و جوانان آذری در هر دو بعد هویت محلی و قومی امتیاز بالایی کسب کرده بودند.

جدول ۴: مقایسه میزان هویت جمعی و ابعاد سه گانه آن براساس قومیت جوانان

قومیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین مجذورات بین گروهها	میانگین مجذورات درون گروهها	F	P
هویت جمعی	کرد	۲۷	۶۵/۳۶	۸/۸۶	۱۲۶۲/۵۷۴	۲۱/۹۴۹	۰/۰۰۰
	آذری	۳۶۱	۷۱/۸۵	۷/۳۵			
	فارس	۴۲	۶۵/۱۸	۸/۶۰			
	کل	۴۳۰	۷۰/۷۹	۷/۹۴			
هویت محلی	کرد	۲۷	۶۶/۳۱	۱۵/۴۵	۴۶۲۰/۴۹۳	۳۱/۹۷۶	۰/۰۰۰
	آذری	۳۶۱	۷۵/۲۹	۱۱/۵۶			
	فارس	۴۲	۶۰/۸۷	۱۳/۳۵			
	کل	۴۳۰	۷۳/۳۲	۱۲/۸۵			
هویت ملی	کرد	۲۷	۶۵/۴۵	۱۸/۶۱	۹۶۸/۳۲۳	۳/۶۶۵	۰/۰۲۶
	آذری	۳۶۱	۷۱/۸۷	۱۶/۳۲			
	فارس	۴۲	۶۶/۵۵	۱۳/۸۳			
	کل	۴۳۰	۷۰/۹۵	۱۶/۳۵			
هویت جهانی	کرد	۲۷	۶۴/۳۳	۱۲/۲۴	۱۲۶۲/۳۲۸	۱/۷۷۴	۰/۱۷۱
	آذری	۳۶۱	۶۸/۳۹	۱۰/۶۴			
	فارس	۴۲	۶۸/۱۱	۱۱/۲۷			
	کل	۴۳۰	۶۸/۱۱	۱۰/۸۲			

آزمون رتبه ای فریدمن برای تعیین ابعاد هویتی جوانان

برای تعیین مولفه های هویت جمعی جوانان از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شد و نتایج آزمون مشخص کرد که میانگین رتبه های ابعاد هویتی در جوانان مورد مطالعه بترتیب عبارت از: هویت قومی ۲/۱۵، هویت ملی ۲/۱۰ و هویت جهانی برابر ۱/۷۵ بدست آمده است که مقدار $F=40/66$ با سطح معنی داری $P=0/000$ تفاوت میانگین رتبه ها معنی دار می باشد و هویت قومی در جوانان قوی تر از سایر هویت های مورد مطالعه می باشد.

جدول ۵: آزمون رتبه ای فریدمن برای تعیین ابعاد هویتی جوانان

مولفه ها	میانگین رتبه ها	مقدار آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری
هویت قومی	۲/۱۵	۴۰/۶۶۵	۲	۰/۰۰۰
هویت ملی	۲/۱۰			
هویت جهانی	۱/۷۵			

نتیجه گیری

شناخت هویت و ابعاد آن در این تحقیق مدنظر بود که با توجه به مطالب مطروحه در چارچوب نظری در حد مطالعات محقق، این هدف بدست آمده است و هویت جمعی در سه بعد هویت محلی، ملی و جهانی که هر کدام با شاخص هایی سنجیده شدند. آزمون فرضیه های تحقیق نشان داد که بیشتر متغیرهای فوق رابطه ای معنادار با متغیر وابسته پژوهش دارند و بخشی از تئوری ها و تحقیقات مورد نظر را تایید می نمایند و بدین ترتیب نتایج این تحقیق می تواند مبنایی سودمند برای تحقیقات آتی باشد.

برای تبیین هویت جمعی با تاکید بر دیدگاه های سطح خرد می توان گفت که هویت امری اجتماعی است و در ارتباط با اجتماع و دیگران معنا و مفهوم می یابد. شکل گیری و یا تغییر آن بسته به عوامل و شرایط مختلف در سطح خرد و کلان و ارتباط متقابل این دو سطح با همدیگر دارد.

بر اساس نظریه هویت اجتماعی افراد در طی فرایند جامعه پذیری از طریق شناخت یک سری تشابهات درون گروهی و تفاوت های برون گروهی به هویت اجتماعی دست پیدا می کنند.

نتایج این تحقیق مشخص نمود که یک جوان می تواند دارای چندین هویت مختلف باشد و وجود آنها در کنار همدیگر به منزله نوعی تعارض و تناقض و یا نفی یکدیگر قلمداد نمی شود بلکه این هویت ها می توانند در تعامل با یکدیگر بوده و بسته به شرایط و موقعیت های مختلف اجتماعی یکی از آنها شکل غالب پیدا کرده و فرد بر اساس آن خود را شناخته و در قبال آن احساس تعلق، تعهد و وابستگی کند.

درونی کردن هویت های مختلف، انعطاف پذیری رفتاری افراد را در موقعیت های کنشی مختلف و محیط های اجتماعی مختلف بیشتر می کند. افراد از هویت های اجتماعی گوناگون به عنوان بسته های اطلاعاتی، در موقعیت های مقتضی سود می جویند. به همین خاطر است که فرد هم یک ترک زبان متعصب به زبان و ادبیات محلی خودش و هم ایرانی است.

پیشنهاد های تحقیق

- در حد متوسط بودن هویت ملی و هویت جهانی جوانان باید مسؤولان و برنامه ریزان کشور را نسبت به این مسأله حساس سازد. هر چند تاکید بر هویت ملی و جهانی، به معنای ناچیز شمردن و بی اهمیت دانستن هویت های کوچکتر نیست، ولی هویت ملی و جهانی بعنوان یک سرمایه اجتماعی فراگیر، از بسیاری از جنبه ها می تواند در توسعه و پیشرفت کشور مفید واقع شود و پایین بودن آن، بخصوص از نظر شناختی و رفتاری، می تواند تبعات جدی داشته باشد.

- در دوره‌ی کنونی که ایران با کاهش هویت‌های گروهی، ملی و جهانی همراه است باید با سازوکارهای فرهنگی و علمی به تقویت این هویت‌ها پرداخته شود.

- وجود رابطه منفی بین هویت ملی و هویت جهانی که در نتایج تحقیق به چشم می‌خورد، لذا لازم است به جای چشم بستن بر این واقعیت و انکار آن، برخوردی معقولانه و منطقی با این واقعیت به عمل آید و ضمن آشتی دادن و تقویت جنبه‌های مشترک هر دو نوع هویت ملی و جهانی در زمینه ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی، نشان دهیم که هویت جهانی لزوماً تضادی با هویت ملی ندارد.

پی‌نوشت‌ها

1. Self_ depersonalization

2. Burke & Ritzs

منابع

۱. اشرف، احمد (۱۳۷۲). هویت ایرانی. **فصلنامه گفتگو**، شماره ۲.
۲. افروغ، عماد (۱۳۸۰). **چالش‌های کنونی ایران**. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۳. اکبری، حسین و عزیزی، جلیل (۱۳۸۷). هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره نشریه ۲۷.
۴. تاملینسون، جان (۱۳۸۱). **جهانی شدن و فرهنگ**. ترجمه محسن حکیمی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۵. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). **هویت اجتماعی**. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.
۶. رواسانی، شاپور (۱۳۸۰). **زمینه‌های اجتماعی هویت ملی**. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۷. رهیاب، ح. (۱۳۸۱). **خودکاوی ملی در عصر جهانی شدن (مجموعه مقالات)**. تهران: قصیده سرا.
۸. صدر، ضیاء (۱۳۷۷). **کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان**. تهران: اندیشه نو.
۹. عبداللهی، محمد (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی بحران هویت**. **نامه پژوهش**، شماره ۳ و ۲.
۱۰. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). گرایش‌های بین فرهنگی، الگوهای زیستی شهری - عشایری در یک نمونه ایرانی. **فصلنامه مطالعات ملی**. شماره ۱۷.
۱۱. گل محمدی، احمد (۱۳۸۰). **جهانی شدن، فرهنگ، هویت**. تهران: نشر نی.
۱۲. گیرنا، مونتسرات (۱۳۷۸). **مکاتب ناسیونالیسم**. ترجمه امیر مسعود اجتهادی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۳. رزازی فر، افسر (۱۳۷۹). **الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران**. **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۵.
14. Ashcreft, B. & Griffiths, G. & Tiffin H. (1998). **Key Concepts in post colonial studies**, London: Routledge.
15. Bolby Nadine, (2001), "**Encountering an American Self: Study Abroad and National Identity**." Northern Illinois University.
16. Eriksen, Thomas H. (1993). **Ethnicity and nationalism**, London: Pluto press.
17. Lawer, S. (2008). **Identity: Sociological Perspectives**. Cambridge: Polity Press.
18. Woodward, K. (2004). **Questioning Identity, Gender, Class, Ethnicity**. London: Routledge. 35 (11). PP. 171-76.
19. Turner, C. & Haslem, S. (2001). **Social Identity, Organization and Leadership**, London: Lawrence Erlbaum Association's Publishers.
20. Warmrs, Richard and Serena Nanda, (1998). **Cultura Anthropology United States of America**. Wardworth publshing company.

ⁱ - Self_ depersonalization

¹- Burke & Ritzs